



چکیده:

در ابتدای دوره قاجار در سال ۱۲۰۰ ه‍.ق. تعزیه به دلیل حمایت شاهان و طبقه مرفه دامنه دارتر شد و در دوره ناصرالدین شاه ۱۲۱۴–۱۲۶۴ ه‍.ق. و تحت حمایت او به اوج توسعه و شکوه خود رسید. در همین زمان بود که به دلیل دخول اعیانیت و حمایت شاه نسخه های تعزیه اصلاح شد و پاره‌ای جنبه های تفریحی و مضحک به آن راه یافت. دیری نگذشت که از توسعه نسخه خوانان خنده آور تعزیه های مضحک پدیدار گشتند. استفاده از ماسک و چهره آرایی در همین دوران و با به وجودآمدن تعزیه های مضحک به اوج خود رسید. کاربرد ماسک در نمایش های تعزیه به منظور پوشاندن هویت بازیگر در نقش های غیرانسانی اعم از حیوانات، شیاطین، نوکران، دیوها و اجنه می باشد.

در این پژوهش ماسک و چهره آراییی در تعزیه‌های دوره قاجار، ویژگی ماسک ها، وسایل و موارد مورداستفاده در چهره آراییی نسخه‌خوانان تعزیه مورد بررسی قرار می گیرد و پس از آن چند نمونه از چهره آراییی ها و تعدادی از ماسک های شبیه خوانی های تکیه دولت معرفی می شود.

واژه های کلیدی:

ماسک، صورتک، چهره آراییی، تعزیه، قاجار

مقدمه

در طول سلطنت آقامحمدخان قاجار ۱۲۱۱–۱۱۹۳ ه‍.ق. و جانشینش فتحعلی‌شاه ۱۲۱۵–۱۲۱۱ ه‍.ق. که نیم قرن به درازا کشید و نیز در دوره ده ساله پادشاهی محمدشاه ۱۲۶۴–۱۲۵۰ ه‍.ق. تعزیه در سراسر ایران در حال گسترش و رشد و تحول بود (شهیدی، ۱۰۰۵، ۱۳۸۰). اما چنان که قبلا اشاره شد اوج تحول و گسترش تعزیه و تعزیه خوانی را باید در دوران پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه جستجو کرد. «او که بیش از شاهان دیگر قاجار به تعزیه علاقه و دلبستگی داشت و از همه چیز برای خود وسیله تفریح و سرگرمی می تراشید شبیه‌خوانی را وسیله ای برای اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد» (نک. مستوفی ۱۳۳۰–۲۸۸، به نقل از شهیدی ۱۳۸۰:۱۷۰).

به تدریج حالت سرگرم کننده تعزیه بر جنبه عزاداری آن غلبه کرد و نوعی مقدمه به تعزیه افزوده شد که پیش واقعه خوانده می شد. کمی بعد هجو و تحقیر دشمنان دین بهانه ای شد تا جنبه های مسخره و مضحکه به این متن ها راه پیدا کند و تعزیه نامه های مضحک با عنوان گوشه صورت مستقل پیدا کرد(بیضائی، ۱۳۸۰، ۱۳۲).

در این دوران استفاده از ماسک یا صورتک همراه با همین تعزیه های مضحک رواج یافت. چنانکه در این تعزیه ها تمامی موجودات غیرانسانی اعم از حیوانات، اجنه، دیوها، فرشتگان از گریم و ماسک بهره می گرفتند. اما باید گفت استفاده از ماسک تنها به این تعزیه ها محدود نمی شد، بدین معنا که در بسیاری از تعزیه های اصلی هم برای نشان دادن اشخاص غیرانسانی از گریم و ماسک استفاده می شد که به آنها در ادامه اشاره خواهد شد. در زمینه تعزیه و تعزیه خوانی و اسباب و وسایل موردنیاز برای اجرای آن محققان بسیاری دست به تحقیق و پژوهش زده‌اند و کتابها و مقالات بسیاری هم در این زمینه به چاپ رسیده است. اما آنچه مسلم است هیچ یک از آنها در مورد کاربرد ماسک و چهره‌آراییی توجه خاصی نکرده و تنها به اشاراتی کوتاه در این مورد بسنده شده است. در تحقیق حاضر کوشش بر آن است تا از طریق منابع کتابخانه‌ای و همچنین مشاهدات نگارنده موارد و دلایل مورد استفاده ماسک و چهره آراییی و همچنین ویژگی برخی ماسک ها و موارد به کار برده شده برای چهره‌آرایی در تعزیه های دوره قاجار مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این بررسی از نوع توصیفی تحلیلی محسوب می شود و این تحقیق از نوع تحقیقات نظری و میدانی است.

چهره آراییی:

چهره آراییی همیشه در تعزیه و به خصوص تعزیه های مضحک وجود داشته است. چون در دوره قاجار نقش زنان را در تعزیه پسران جوان بر عهده داشتند، بنابراین ای اینکه چهره خود را با روینده یا پارچه سیاه می پوشاندند و یا با چهره بزک کرده به اجرای نقش می پرداختند. بدین صورت که برای تغییر چهره، آرد یا سفیداب روی چهره می مالیدند. گونه ها و لب ها را قرمز می کردند. خطوط ابروان را با سرمه ترسیم می کردند. و کلاه گیس زنان بر سر می نهادند(میهن،۱۳۶۹، ۱۰۱).

چهره امامان در تعزیه معمولاً با پارچه سفیدی پوشانده می شد و چون

ماسک و چهره آراییی در تعزیه‌های دوره قاجار

مصطفی ملک‌مکان



همگی آنها از معصومین بودند، بنابراین هیچکدام چهره آراییی نداشتند و ناگزیر می بایستی شمالین آن‌ها با نقشی که بازی می کردند مناسب باشد (بیضایی، ۱۳۸۰، ۱۴۵).

اما در تعزیه های مضحک و شادای آور چون خمیر مایه این تعزیه ها مسخره مخالفین و معاندین دین بود و جنبه شادی آور آن نیز بر همین زمینه متکی بود، برای نسخه خوانهای مخالف خنده دار مثل شیطان، نوکران، دیوها و اجنه از گریم غلطظی بهره می گرفتند. در این تعزیه ها مالیدن گل بر چهره و سر و صورت نشان عزاداری بود. چهره غلام حبشی حضرت علی(ع) را به رنگ سیاه و چهره شیطان را به رنگ قرمز رنگ آمیزی می کردند. چهره مالک دوزخ، پادشاه و جنیان غیر عادی خالد را بود. و برای زخمی شدن رنگ قرمز به کار برده می شد (میهن، ۱۳۶۹، ۱۰۴).

بطور کلی می توان گفت چهره آراییی در تعزیه‌های دوران قاجار فقط در مواردی که لازم بود چهره شبیه تغییر کند و با استفاده از مواد بسیار ابتدایی

همچون آرد، سفیداب، سرخاب، سرمه و غیره صورت می گرفت و بیشتر از ماسک برای نشان دادن شخصیت مورد نظر بهره می گرفتند.

ماسک و صورتک

در تعزیه های گذشته و برخلاف تعزیه های مضحک از صورتک و ماسک کمتر استفاده می شد. فقط کسانی که در تعزیه هایی مانند «شست بستن دیو» یا «قربان کردن اسماعیل»، نقش دیو یا شیطان را داشتند صورتک به چهره می زدند. گاهی اوقات در نمایش نامه های تکیه دولت به مناسبت موضوع شبیهی از ماسک شکل حیوانات که از مقوا ساخته می شد و همچنین قیل و شترهای چماز استفاده می کردند (شاه علیزادگان، ۱۳۸۶، ۱۱۵). «صورتک ها معمولاً زشت و ترسناک و یا مضحک بودند. ماسک ها را معمولاً از مقوا و کاغذ یا مخلوطی از گل و خمیر و سریشم و خرده ریز پارچه و امثال آن، تقریباً یک و نیم یا دو برابر اندازه سر و صورت می ساختند»(شاه علیزادگان، ۱۳۸۶، ۴۱۳)

البته به درستی مشخص نیست که شیوه ساخت ماسک و استفاده از آن چگونه به تعزیه راه یافت، اما این نکته محرز است که ماسک از ملزومات کار این شیوه نمایشی ست، چنانکه حتی کسانی که نقش زنان را می خواندند یا اشخاصی که به عنوان جبرئیل ظاهر می شدند نیز ماسک‌هایی به چهره داشتند(تقیان، ۱۳۶۸، ۴۸).

بر اساس پژوهش های موجود، کاربرد ماسک یا صورتک به تعزیه های شادای آور منحصر می شده است و همچنین تنها اشکال غیرانسانی یعنی دیوها، اجنه ها، یا حیوانات ماسک به چهره می زدند. اما آنچه مسلم است کاربرد ماسک تنها به این تعزیه ها محدود نمی شده است. از میان تعزیه‌هایی که کاربرد ماسک و صورتک در آن ها مهم است می توان به تعزیه های «شست بستن دیو»، «تعزیه امام رضا(ع)» (که در آن ماسک های پیرزن، آهو و شیر استفاده می شود)، «تعزیه شهادت امام حسین(ع)» (ماسک و لباس شیر، ماسک جن)، «تعزیه بلقیس و سلیمان» (ماسک حیواناتی چون هدهد و میمون و ماسک دیو)، «تعزیه یوسف و زلیخا» (که در آن مجری نقش پیرزن با ماسک به میان می آید) و «تعزیه مهرب خبیری» (که در آن برخی مخالف خوانها ماسک بر چهره می زدند) اشاره کرد.

در «تعزیه امام حسین(ع)» برای نشان دادن شیر از پوست حیوان بهره می گرفتند به این صورت که شبیه، درون پوست می رفت یا آن که پوست حیوان را با کاه می پوشاندند و در گوشه ای می گذارند. و «منظور از نشان دادنش آن بود که بگویند حتی وحشی ترین جانوران بیابان هم رحم کرد و مسلمانان به مسلمانی رحم نکرد» (بیضائی، ۱۳۸۰، ۱۵۰). نمایشگران ایرانی برای جذاب کردن تعزیه روز به روز بر دامنه موضوعهای تعزیه می افزودند. نقبی از بیرون تکیه می ساختند که سر دیگر آن در مرکز صحنه بود و



زعفر جنی ناگهان از آن بیرون می آمد و سپس غیب می شد. فرشتگان را با منجنیق نازل می کردند و در «تعزیه شیر فرّه [فُشه]» بازیگری را با ماسک و تن پوش شیر وارد بازی می کردند و فرنگی را با لباس غربی و چتر و کلاه سیلندر و چهره آراییی غربی وارد بازی می کردند(غریب پور، ۱۳۸۴، ۳۸). در تعزیه های شهادت از کله یا سرساختگی که نماد و نشانه سرهای بریده شهیدان کربلا بود استفاده می کردند. کله ها و سرها را معمولاً از گل و گچ و سریشم و بعدها از نوعی لاک یا مقوا به گونه ای می ساختند که نیمی از گردن را هم نشان می داد. ابرو و چشم و دهان کله ساختگی را با رنگ سیاه می کردند. درون کله ها خالی بود تا به راحتی قابل حمل باشند. اندازه کله ها متفاوت بود. مثلا کله علی اصغر، طفل خردسال را بسیار کوچک می ساختند و بر صورت شبیه امام ریش یک قبضه می گذاشتند. سرهای دیگر برخی با ریش توبی و برخی بدون ریش بودند. به طور کلی سیمای کله ها بر اساس اعتقادات و تخیلات سازندگان آن شکل می گرفت. برای ساختن کله ها، اغلب از سر و صورت برخی روحانیون سازندگان آن شکل می گرفت. برای ساختن کله ها، اغلب از سر و صورت برخی روحانیون و مقدس مابان زمان، و سرهای تراشیده آنها الهام می گرفتند. گاهی برخی کله ها را زلف دار، و بدشکل و زشت و ترسناک می ساختند. معمولاً در تعزیه «شهادت حضرت قاسم»، از این کله ها به جای سر بریده پسران ازرق استفاده می کردند (شهیدی، ۱۳۸۰، ۴۱۳). گاهی اوقات نیز از کدوی خالی که رویش را چشم و لب و دهان می گذاشتند برای نشان دادن سرهای بریده استفاده می کردند. پس از ساخت این صورتک‌ها تعدادی از آنها را به عنوان سرهای شهیدان کربلا در روز عاشورا بر نیشه می زدند و در تعزیه‌هایی چون تعزیه «بازار شام»، «رورد اهل بیت به کوفه»، «دیر سلیمان» و«دیر رهاب»، که اهل بیت امام را به اسیری می بردند مورد استفاده قرار می دادند. در تعزیه «بازار شام»، تعدادی از کله ها را در سینی یا تشتت طلا می گذاشتند و نزد یزید می بردند. در تعزیه هایی که نیاز به نش داشتند و اجساد می بایستی مدتی در صحنه می ماندند، برای نشان دادن سر مرده از این کله‌ها استفاده می کردند (شهیدی، ۱۳۸۰، ۱۳۱). از نسخه‌خوانهای تقریباً ثابت در این تعزیه ها دیو بود. دیو صورتک به کار می برد و لباس چهل تکه‌ای از همه رنگ با شلیته و خلخال و چوبدستی کج و موج داشت و با صدای غیرمنتظره و جست و خیزها و جیش‌های تند و فریادهای ناموزون بیش از ترسناک بودن، مسخره می نمود و اتفاقاً همین تضاد بین صورت مهیب و سخت و بی حرکت او و بدن چالاک و پرتحرکش محور اصلی مضحک بودن او را ایجاد می کرد. صورتکها معمولاً بین یک و نیم تا سه برابر صوت معمولی انسان و از خمیر و پارچه و گل و مل و سریش و غیره ساخته می شد و رویش رنگ می خورد و نقاشی می شد و از شبیه هم برای چشم صورتک بهره می گرفتند و برای چیزهایی مانند شاخ و دندان و غیره، شاخ و دندان طبیعی بز و گوسفند و غیره در آن کار می گذاشتند. «چندتایی از صورتک‌های موجود که نشان دهنده وسعت و غرابت تخیل سازنده های کتمام خود نیز هستند واقعاً اسنادانه از کار درآمدت است» (بیضایی، ۱۳۸۰، ۱۵۴).

ماسک و چهره آراییی برخی از اشخاص تعزیه

فرشتگان و حوربان: فرشتگان، ملائکه و حوربان به طور معمول توری نازک و گردی گلبهی، آبی یا صورتی رنگ بر چهره می افکندند که نشانه پوشیدگی و قداست و روحانیت و لطافت آنها بود. فرشتگان معروف و مقرب مانند جبرائیل، میکائیل، اسرافیل و غیره گردی پولک دار برچهره می بستند. شبیه جبرائیل گاهی کلاه مدور تاج مانند بر سر می گذاشت و توری روی آن می کشید و در تعزیه خوانی‌های تکیه های عمومی و معمولی همین شبیه، جسه یا عیایی از پارچه های معمولی و ساده می پوشید و تور روی چهره می انداخت.

دیوها: دیوها معمولاً صورتک یا ماسک شاخدار یا بی شاخ خشن و ترسناک بر چهره خود می زدند. نقش دیوها در تعزیه ها مختلف بود و لباس شبیه دیوها را متناسب با نقششان انتخاب می کردند. مثلاً در تعزیه «شست بستن دیو»، شبیه دیو در نقشی خیلی خشن و به صورت هیولا ماندنی ظاهر می شد و لباسی زمخت می پوشید و معمولاً چماقی در دست می گرفت. در تعزیه «حضرت سلیمان» یا «عروسی سلیمان و بلقیس»، دیوهای متعددی نقش داشتند که این دیوها همگی در خدمت و مطیع حضرت سلیمان بوده اند و نقش معقول و آرامی داشته اند. وجه مشخصه همه این دیوها داشتن ماسک بود، اما ماسک هایشان برخلاف ماسک های معمول دیوهای دیگر خشن و ترسناک نبود. این ماسک ها عموماً به روش پاییه ماشه ساخته شده اند و بر روی آن ها با رنگ نقاشی شده است. برای ماسک دیو در تعزیه «شست بستن دیو»، ابروهای پرپشت با رنگ سیاه تعبیه شده و بر روی صورت آن نیز با رنگهای سفید و قرمز خال هایی آبله مانند گذاشته شده است، تا کراهت بیشتری به ماسک دهد. در نمونه هایی دیگر، الگویی انتزاعی برای نشان دادن دیوها در شبیه خوانی های تکهپی دولت به کار رفته است. در یکی از این ماسک ها، نمونه ای با دهانی گوشه و بینی و چشم هایی کج و موج، هیولا گونه گی این ماسک را منحصر به فرد کرده که در نمونه‌های دیگر ماسک دیو کمتر به چشم می آید. در بقیه موارد، داشتن شاخ، رنگ‌های مشکی، آبله‌ها و خال هایی که با رنگ سفید کشیده شده‌اند و نیز برجستگی‌های گونه و پیشانی و لب ها که توسط تکه های چسب خورده کاغذ ایجاد شده، تقریباً شکل یکسانی به عموم آن‌ها داده است.

جنیان و پریان: شبیه جنیان، تور بر چهره می افکندند که نماد پوشیدگی و ناپیدا بودن آنها بود. تفاوت میان آنها و فرشتگان، کلاههای دراز و مخروطی شکل و منگوله دار یا ترک داری بود که بر سر می گذاشتند و تور را روی آن می‌افکندند. اشخاصی که در تعزیه «شهادت امام» نقش جنیان را داشتند و به یاری امام می آمدند، لباسهای همانندی بر تن می کردند. لیکن زعفر جنی که پادشاه آنها بود کلاه تاج ماندنی هم بر سر می گذاشت.

حیوانها: برای نشان دادن حیوانات در تعزیه معمولاً از پوست آنها استفاده می کردند. مثلاً در تعزیه «شهادت امام» یا تعزیه «شیر فره [فُشه]»، شبیه را درون پوست شیر می فرستادند یا پوست را به وسیله کاه بر می کردند. در حالت اول شبیه چهار دست و پا راه می رفت و جست و خیز می کرد. در تکاپایی که پوست شیر نداشتند، پوستینی یا کلیجه ای را پشت و رو به کار می‌بردند. در تعزیه هایی که در تکیه دولت خوانده می شد معمولاً یک شیر واقعی تربیت شده از باغ وحش می آوردند. برای نشان دادن جانورانی چون اژدها و تمساح و غیره، مثلاً در تعزیه «بزالمل» یا تعزیه «سلیمان و بلقیس»، معمولاً از پوست آن جانوران یا از چرم تیماج، که آن‌ها را به شکل پوست اژدها و تمساح درآورده بودند، استفاده می کردند برای نشان دادن پرندگان و جانورانی مانند عقاب، هدهد و کرکس، که امکان نداشت کسی در پوست آنها برود و به شکل آنها درآید، معمولاً از کلاه های کاغذی یا مقوایی که بر سر می گذاشتند و روی آنها را تور می کشیدند، استفاده می کردند(شهیدی، ۱۳۸۰، ۳۹۶–۳۹۵، ۳۹۶).

نتیجه:

بر اساس تحقیقات انجام شده می توان نتیجه گرفت که چهره آراییی همواره در تعزیه وجود داشته است. اما استفاده از ماسک در دوره قاجار و با روی کار آمدن تعزیه های مضحک رواج یافت و پس از آن به تعزیه‌های اصلی نیز راه پیدا کرد. چهره آراییی گل با بزک چهره شبیه و گاهی با استفاده از ماسک، تعزیه خوانان را در ارائه هرچه واقعی تر نشان دادن نقش مورد نظر یاری کرده است.

در دوره قاجار از اجرای تعزیه های مضحک در جهت به مسخره گرفتن معاندین و اشقیبا استفاده می شد، به همین جهت ایجاد چنین ماسک هایی جنبه کمیک گونه این شخصیت ها را افزایش و در تحقیر آنان زد عموم نقش بسزایی ایفا می کرد. همچنین عدم چهره آراییی شخصیت های موفق، سبب ایجاد تضاد در همین دو وجه مثبت و منفی تعزیه می شد.

استفاده از ماسک در تعزیه ها، تعزیه خوانان را قادر به ایفای نقش هایی می نمود که بدون استفاده از آن، خصوصیات جسمانی و چهره بازیگر می‌توانست مانعی جدی برای ارائه نقش موردنظر باشد. به همین دلیل، این ماسکها علاوه بر ایجاد جنبه های کمیک شخصیت، در انجام عمل بازیگر یاری رسان بوده است.

فهرست منابع:

بیضایی، بهرام(۱۳۸۰)، نمایش در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

تقیان، لاله(۱۳۶۸)، «ماسک در تعزیه»، مجله نمایش، سال سوم، شماره ۴۸،۳۷ – ۵۰

چلکووسکی، پیترجی(۱۳۸۴)، «تعزیه: آئین و نمایش در ایران»، ترجمه

داود حاتمی، تهران: انتشارات سمت

شاه علیزادگان، باک (۱۳۸۶)، امکانات فنی در تئاتر ایران؛ از تکیه دولت تا امروز، تهران: موسسه فرهنگی و هنری خانه تئاتر ایران، انتشارات پرسمان.

شهیدی، عنایت اله و علی بلوک باشی(۱۳۸۰)، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانسی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

غریب پور، بهروز(۱۳۸۴)، تئاتر در ایران، تهران: نشر نیل.

فتاینان، تاجبخش(۱۳۸۹)، ترازوی و تعزیه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

میهن، مهین (۱۳۶۹)، گریم برای تئاتر، (چاپ اول)، تهران: انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهادانشگاهی.

همایونی، صادق (۱۳۸۰)، تعزیه در ایران، شیراز: انتشارات نوید

ثبتي و دادگستري

آکهي حصر وراثت	
محمد حکمت فرزند علي‌اکبر داراي شناسنامه شماره ۶۳۳فسا به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴/۸۰۰۹ ح ش من مرکزي از اين شورا دادخواست گواهي حصر وراثت نموده و چنين توضيح داده که شادروان مرحوم علي‌اکبر حکمت فرزند ابراهيم بـه کدملي ۲۵۷۱۹۷۸۷۱۳ فـسا در تاريخ ۹۴/۷/۱۴ در اقامتگاه دائمي خود بدردود زندگي گـفته وراث حین‌الفوت آن مرحوم متـصـرّف به؛	
۱- زهرا اکبري فرزند ابوالفتح به شناسنامه شماره ۴۱ فسا (هـمسـر دائمي متوفی)	
۲- محمد حکمت به شناسنامه شماره ۶۳۳ فسا	
۳- مهران حکمت به شناسنامه شماره ۲۵۶۰۰۰۰۱۸۰ فسا (پسران متوفی)	
۴- ماریا حکمت به شناسنامه شماره ۲۰۸۵ فسا (دختر متوفی) و لاغير	
اينک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبست آکهي می‌نماید تا هر کسسي اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نـزد او باشد از تاریخ نشر آکهي ظرف یک ماه به داد‌گاه تقدیم دارد و الا گواهي صادر خواهد شد.	
۲۷۸۶/م الف	
شورای حل اختلاف حوزه مرکزي فسا امور حصر وراثت خرم حاصدي	

آکهي اجرائيه	
شماره اجرائيه: ۹۴۱۰۰۱۸۴-۴۷۲۲۲۲	
شماره پرونده: ۹۴-۹۹۸۷۲۲۲۰۱۰۰۲۶۳	
مشخصات محکوم له: اردوان رضائي فرزند محمدرحيم به نشانی شهرستان ممسنی بلوار هفت تير کوجه ۱۴	
مشخصات محکوم عليه: ولي بيات فرزند محمد حبيسه مجهول‌المکان	
مشخصات نماینده یا قائم مقام قانونی محکوم له: عزت‌اله خرمي فرزند عبدالعلي به نشانی نورآباد فلکه آموزش و پرورش پاساژ پناهبايں طبقه دوم دفتر وکالت خرمي وکیل اردوان رضائي محکوم به؛ به موجب درخواست اجرائی حکم مربوطه محکوم عليه محکوم است به پرداخت ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته و پرداخت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارت تاخیر تادیه وجه مسته‌ها از تاریخ سررسيد آنها لغایت يوم‌الوصول برابر شاخص تورم قيمت‌ها از ناحیه بانک مرکزي صادر و اعلام می‌گردد همچنین مبلغ ۷۵۰۰۰۰۰ تومان بابت حق‌الاجرا در حق صندوق دولت صادر و اعلام می‌نماید.	
محکوم عليه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائيه: ۱- پس از ابلاغ اجرائيه طرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد.	
۲- ترتيبی برای پرداخت محکوم به بدهد.	
۳- مالی معرفی کند که اجرائی حکم و استيفاء محکوم به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرائی مفاد اجرائيه نداند باید ظرف مهلت ده روز صورت جمع دادرایی خود را به قسمت اجرا تسليم کند اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید هر گاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که قادر به اجرائی حکم و پرداخت محکوم به بوده‌اید لیکن برای فرار از پرداخت اموال خود را معرفی نکند یا صورت خلاف واقع از دادرایی خود بدهید به نحوی که اجرائی تمام یا قسمتی از مفاد اجرائيه متعسر باشد به مجازات حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهید شد.	
۴- علاوه بر موارد بالا که قسمتی از ماده ۳۴ اجرائی احکام مدنی می‌باشد به قانون اجرائی احکام مدنی و قانون آيين دادرسی مدنی مصوب ۷۹/۱/۲۱ و همچنین مفاد قانون نحوه اجرائی محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۱۰ آبان ۱۳۷۷ توجه نمایند.	
مدير دفتر شعبه اول داد‌گاه عمومي (حقوقی) داد‌گستري ممسنی مظفر نظري	

هيأت موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمي	
آکهي موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آيين‌نامه قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمي	
برابر رأی شـماره ۳۱۱۰۰۱۰۰۵۱-۱۳۹۶ مورخ ۹۴/۷/۲۶ هيأت سوم موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شيراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فرامررز قچريور نويندگانی فرزند رحيم به شماره شناسنامه ۸۲ صادره از نويندگان در شش‌دانگ یکپاي خانه به مساحت ۱۹۸/۹۰ مترمربع پلاک ۱۹۶۲ فرعی از ۲۰۸۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش ۴ شيراز خريداري از مالک رسمي هوشنگ محمدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آکهي می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکيت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولين آکهي به مدت دو مهـا اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسليم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقديم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکيت صادر خواهد شد.	
توضيحات: برابر درخواست شماره ۶۴۱۹۸ مورخ ۹۴/۸/۲۱ متقاضی و اصل کارت ملی نام خانوادگی قچريور نويندگانی می‌باشد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۸/۳۰	
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۹/۱۵	
۲۰۲۶۶/م الف	
رئيس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شيراز حسين گرگين	

هيأت موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمي	
آکهي موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آيين‌نامه قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۳۱۱۰۰۱۹۱۵-۱۳۹۶ مورخ ۹۴/۷/۱۵ هيأت دوم موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شيراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمد تابع‌بردبار فرزند غلامعلي به شماره شناسنامه ۵۲۴ صادره از بيضا در شش‌دانگ یکپاي خانه به مساحت ۱۰۰/۵ مترمربع پلاک ۱۱۳۱۹ فرعی از ۲۱۳۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۵۲ فرعی از ۲۱۳۹ اصلی واقع در بخش ۴ شيراز خريداري از مالک رسمي عبدالبيي یکپاي حوزه ثبت مساحت ۱۰۰/۵ مترمربع پلاک ۱۱۳۱۹ فرعی از ۲۱۳۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۵۲ فرعی از ۲۱۳۹ اصلی واقع در بخش ۴ شيراز خريداري از مالک رسمي عبدالبيي ثاقب‌رای محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آکهي می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکيت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولين آکهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسليم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقديم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکيت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۸/۱۴	
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۸/۳۰	
۱۹۲۲۶/م الف	
رئيس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شيراز حسين گرگين	